



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۹۷

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء - فصل فی شرائط الوضوء

مصادف با: ۵ صفر ۱۴۴۰

موضوع جزئی: کفایت عرض مسح پا به یک انگشت - مطلق و طاهر بودن آب وضو

جلسه: ۱۲

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تذکر اخلاقی: عالم محضر خدا

قال الله تبارک و تعالی: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۱</sup>؛ بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و به زودی، به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می شوید و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!»

مصدق بارز «مؤمنون» در آیه مذکور، اهل بیتند و در عصر غیبت، وجود مقدس امام زمان (عج) است.

آیه مذکور، هشدار می دهد که مواظب اعمال خود باشید چرا که خداوند متعال، رسول گرامی اسلام (ص) [«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا»]<sup>۲</sup> و ائمه معصومین (ع) ناظر اعمال شماست لذا انسان باید حواسش جمع باشد که گناه و معصیت نکند [عالم محضر خداست، در محضر خدا گناه نکنید] زیرا اعمال او از خداوند متعال مخفی نخواهد ماند و خداوند حتی نیت او را نسبت به هر عملی می داند: «...مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا...»<sup>۳</sup>؛ این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! و

امام جواد (ع) نیز فرموده است: «... وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَانْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ»<sup>۴</sup>؛ بدان که تو از دید خداوند متعال پنهان نیستی. پس ببین که چگونه می خواهی باشی؟

بنابراین، با توجه به اینکه خداوند متعال نسبت به آشکار و پنهان آگاه است، فردای قیامت هر آنچه از انسان ها سر زده است، هویدا خواهد شد و در مورد آنها سؤال خواهد شد و علاوه بر اینکه خداوند نسبت به اعمال آگاه است، اعضای بدن نیز نسبت به آنها شهادت خواهند داد: «...وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۵</sup>.

مسأله ۵۳۹: «یکفی فی مسح الرجلین المسح بواحدة من الأصابع الخمس إلی الکعبین؛ أيها کانت حتی الخنصر منها»<sup>۶</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، در مسح پاها، مسح به یک انگشت از انگشتان پنج گانه کفایت می کند و [مسح با] هر کدام از انگشتان ولو کوچک ترین آنها باشد، کافی است.

۱. «التوبة»: ۱۰۵.

۲. «الأحزاب»: ۴۵.

۳. «الکهف»: ۴۹.

۴. حسن بن علی، ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۵۵.

۵. «یس»: ۶۵.

۶. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۸.

آیت الله خویی (ره) فرموده است که دلیلی نیافتیم که مسح با یک انگشت کفایت می‌کند مگر اینکه از باب اقل ما يمكن به المسح المأمور به گفته شود که مسح با یک انگشت کافی است.<sup>۱</sup>

بحث مذکور، در ذیل بحث افعال وضو و تحت عنوان «الرابع مسح الرجلین»، آمده است که سابقاً به آن اشاره شد. مرحوم سید (ره) در آنجا نوشته بود: «و یکنفی المسمی عرضاً و لو بعرض إصبع أو أقلّ و الأفضل أن یكون بمقدار عرض ثلاث أصابع و أفضل من ذلك مسح تمام ظهر القدم»<sup>۲</sup>؛ در مسح پاها، مسمای مسح به حسب عرض، کفایت می‌کند، هرچند که به اندازه عرض یک انگشت یا کمتر باشد [چون زمانی که انسان به منظور مسح کردن، انگشت را روی پا می‌گذارد، همه عرض انگشت روی پا قرار نمی‌گیرد، بلکه فقط بخش تحتانی انگشت روی پا قرار می‌گیرد] و بهتر این است که مسح به عرض سه انگشت باشد و افضل از آن، این است که شخص تمام روی پا را مسح کند.

بنابراین، به نظر مشهور، در مسح پاها، مسمای مسح کفایت می‌کند؛ هرچند که از نظر عرض به اندازه یک انگشت باشد.

### ادله قول مشهور

#### اول: اجماع

بر کفایت مسمای مسح، ادعای اجماع شده است.

علامه (ره) در کتاب منتهی المطلب فرموده است: «و هو مذهب علمائنا اجمع»<sup>۳</sup>.

همچنین، علامه (ره) در کتاب تذکرة فرموده است: «بل یکنفی المسح من رؤس الأصابع إلى الکعبین و لو بإصبع واحدة عند فقهاء أهل البيت علیهم السلام»<sup>۴</sup>.

محقق (ره) نیز فرموده است: «و لا یجب استیعاب الرجلین بالمسح، بل یکنفی المسح من رؤس الأصابع إلى الکعبین و لو بإصبع واحدة و هو إجماع فقهاء أهل البيت علیهم السلام»<sup>۵</sup>.

#### دوم: آیه مربوط

آیه شریفه «...و امسحوا برؤوسکم و أرجلکم إلى الکعبین...»<sup>۶</sup>، بر این دلالت دارد که صرف وجود مسح کفایت می‌کند و صرف الوجود با مسمای مسح نیز محقق می‌شود. بنابراین، آیه مذکور، به اطلاقش بر این دلالت دارد که مسمای مسح پا از نظر عرض، کفایت می‌کند.

#### سوم: روایات مربوط

روایاتی بر نظر مشهور دلالت دارند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ وَ بُكَيْرِ ابْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَسْحِ: «تَمَسَّحُ عَلَى النَّعْلَيْنِ وَ لَا تُدْخِلُ يَدَكَ تَحْتَ الشَّرَاكِ وَ إِذَا مَسَحْتَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِكَ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْكَ مَا بَيْنَ كَعْبَيْكَ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجَزَّاكَ»<sup>۷</sup>.

۱. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۱۷۷.

۲. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۳. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، ص ۶۹.

۴. علامه حلی، تذکرة الفقهاء (ط - الحدیثة)، ج ۱، ص ۱۷۱.

۵. محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۱۵۰.

۶. «المائدة»: ۶.

۷. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۲۳، ص ۴۱۴، ح ۴.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ؛ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وُضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)... فَإِذَا مَسَحَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِهِ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْهِ مَا بَيْنَ الْكَعْبَيْنِ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجَزَّاهُ...<sup>۱</sup>.

روایت مذکور، در کفایت مسمای مسح پا از نظر عرض، ظهور دارند.

### فصل فی شرائط الوضوء

الأول: إطلاق الماء، فلا يصح بالمضاف و لو حصلت الإضافة بعد الصبّ على المحلّ من جهة كثرة الغبار أو الوسخ عليه، فاللزام كونه باقياً على الإطلاق إلى تمام الغسل<sup>۲</sup>.

شرط اول از شرائط وضو، این است که آب باید مطلق باشد.

به نظر مرحوم سید (ره)، وضوی با آب مضاف صحیح نیست؛ هرچند که حالت مضاف بودن، به خاطر زیاد بودن غبار یا زیاد بودن آلودگی و چرک در موضع شستن، بعد از ریختن آب بر آن موضع، حاصل شود. پس لازم است که آب تا تمام شدن شستن بر اطلاق باقی باشد.

آب مضاف آبی است که زایل کننده خبث و حدث نیست، یعنی نجاست را برطرف نمی‌کند و موجب حصول طهارت و برطرف کردن حدث نیز نمی‌شود.

مباحث مربوط به آب مطلق به طور مفصل در بحث آب مضاف اشاره شده است و به ادله و روایات مربوطه نیز در آن بحث اشاره شده است لذا به خاطر طولانی نشدن کلام از ذکر مجدد آنها خودداری می‌شود.

### الثانی: طهارته<sup>۳</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، شرط دوم از شرائط وضو، طهارت آب است.

### دلیل حکم مذکور

اولاً لزوم طهارت آب وضو، اجماعی است، بلکه عده‌ای ادعا کرده‌اند که از ضروریات فقه است که آبی که برای وضو استفاده می‌شود، علاوه بر مطلق بودن، باید طهارت نیز داشته باشد و دلیل آن نیز روایات مستفیضة بلکه متواتره‌ای است که در ابواب مختلف فقه وارد شده‌اند که شیخ حر عاملی (ره) این روایات را در جلد اول کتاب وسائل الشیعة در ابواب ۳، ۹، ۱۲، ۱۳ و ۱۴، از ابواب ماء مطلق کتاب طهارت آورده است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

روایت اول: سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي رَجُلٍ مَعَهُ إِنَاءٌ وَقَعَ فِي أَحَدِهِمَا قَذَرٌ وَلَا يَذَرِي أُيُّهُمَا هُوَ وَلَيْسَ يَقْدِرُ عَلَى مَاءٍ غَيْرِهِمَا؛ قَالَ: «يَهْرَبُكُمَا وَيَتَيَمَّمُ»<sup>۴</sup>.

روایت مذکور، بر این دلالت دارد که اگر دو ظرف آب نزد شخصی بود که در یکی از آن دو ظرف نجاستی افتاده باشد و شخص نداند که نجاست در کدامیک از آن دو ظرف افتاده است و آب دیگری نیز در اختیار نداشته باشد، در این صورت، باید آن دو آب

۱. همان، باب ۱۵، ص ۳۸۹، ح ۳.

۲. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. همان.

۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الماء المطلق، باب ۱۲، ص ۱۶۹، ح ۱.

را بریزد و تیمم کند چون علم اجمالی به وجود نجاست در یکی از دو ظرف دارد لذا باید از هر دو اجتناب کند. از این روایت فهمیده می‌شود که آبی که برای وضو استفاده می‌شود، باید پاک باشد.

روایت دوم: عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ فَضْلِ الْهَرَّةِ وَالشَّاةِ وَالْبَقَرَةِ وَالْإِبِلِ وَالْحِمَارِ وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْوَحْشِ وَالسَّبَاعِ فَلَمْ أَتْرُكْ شَيْئاً إِلَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ؛ فَقَالَ: «لَا بَأْسَ بِهِ»؛ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى الْكَلْبِ؛ فَقَالَ: «رَجْسٌ نَجِسٌ لَا تَتَوَضَّأُ بِفَضْلِهِ وَاصْبُبْ ذَلِكَ الْمَاءَ وَاغْسِلْهُ بِالتُّرَابِ أَوَّلَ مَرَّةٍ ثُمَّ بِالْمَاءِ»<sup>۱</sup>.

روایت سوم: عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: «كُلَّمَا غَلَبَ الْمَاءُ عَلَى رِيحِ الْجَيْفَةِ فَتَوَضَّأَ مِنَ الْمَاءِ وَاشْرَبَ؛ فَإِذَا تَغَيَّرَ الْمَاءُ وَتَغَيَّرَ الطَّعْمُ فَلَا تَوَضَّأُ مِنْهُ وَلَا تَشْرَبُ»<sup>۲</sup>.

روایت چهارم: عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَمُرُّ بِالْمَاءِ وَفِيهِ دَابَّةٌ مَيْتَةٌ قَدْ انْتَنَتْ؛ قَالَ: «إِذَا كَانَ النَّتْنُ الْغَالِبَ عَلَى الْمَاءِ فَلَا يَتَوَضَّأُ وَلَا يَشْرَبُ»<sup>۳</sup>.

بنابراین، با توجه به روایات مذکور، اصل لزوم طهارت آبی که برای وضو استعمال می‌شود، جای بحث ندارد.

آیا شرط طهارت آبی که برای وضو مورد استفاده قرار می‌گیرد، شرط واقعی است یا شرط علمی و ذکری است؟

اگر آن شرط واقعی باشد، معنایش این است که مثلاً اگر شخصی با آبی که در آفتابه بوده است، وضو بگیرد و با آن وضو نماز بخواند و سپس معلوم شود که آن آب نجس بوده است، در این صورت، باید دوباره وضو بگیرد زیرا در صورتی که طهارت، شرط واقعی باشد، علم و جهل شخص در طهارت نقش ندارد چون شارع، واقع را از مکلف خواسته است، اما اگر طهارت، شرط علمی و ذکری باشد، به این معنا معناست که اگر شخص به نجاست آب علم داشت و با آن آب وضو گرفت و نماز خواند، باید وضو و نمازش را اعاده کند چون وضویی که با آن، نماز خوانده است، صحیح نبوده است، ولی اگر به نجاست آب علم نداشته باشد و با آن آب وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازی که خوانده است، صحیح است. همچنین، اگر شخص نسبت به نجاست آب، علم داشته باشد، ولی فراموش کند و با آن آب وضو بگیرد، وضویش باطل است و اگر با آن وضو نماز خوانده باشد، باید دوباره وضو بگیرد و نمازش را اعاده کند.

در رابطه با اینکه آیا طهارت، شرط واقعی در صحت وضو است یا شرط علمی و ذکری است، چند قول مطرح است:

قول اول، قول مشهور است. مشهور معتقدند که شرط طهارت، شرط واقعی است لذا اگر شخص از روی جهل با آب نجس وضو گرفت و در وقت، کشف خلاف شد و مشخص شد که با آب نجس وضو گرفته است و نماز خوانده است، باید وضو و نماز خود را اعاده کند و اگر بعد از وقت، کشف خلاف شد، باید نماز خود را قضا کند. وجوب اعاده، مقتضای قاعده است زیرا مشروط به انتفاء شرط، منتفی می‌شود [المشروط ينتفي بانتفاء شرطه] لذا چون نماز مشروط به طهارت واقعی است و طهارت واقعی محقق نیست، مشروط نیز که نماز است، منتفی است و باید اعاده شود؛ به علاوه اینکه مقتضای حدیث لاتعداد [عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تَعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ الطُّهُورِ وَالْوَقْتِ وَالْقِبْلَةِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ»<sup>۴</sup>] نیز لزوم اعاده نماز است.

۱. همان، ابواب الآسار، باب ۱، ص ۲۶۶، ح ۴.

۲. همان، ابواب الماء المطلق، باب ۳، ص ۱۳۷، ح ۱.

۳. همان، ص ۱۳۹، ح ۶.

۴. همان، ابواب الوضوء، باب ۳، ص ۳۷۱، ح ۸.

اما وجوب قضا، مقتضای روایاتی است که بر وجوب قضای فریضه فوت شده دلالت دارند که روایات ذیل از جمله آن روایاتند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: «أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ يُصَلِّيَهَا الرَّجُلُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ صَلَاةٌ فَاتَّكَ فَمَتَى ذَكَرْتُهَا أَذْيَتْهَا»<sup>۱</sup>.

در مانحن فیه نیز نمازی که شخص با وضوی با آب نجس به جا آورده است و بعد از وقت متوجه شده است که با آب نجس وضو گرفته بوده است، مثل این است که اصلاً نماز نخوانده است و نماز از او فوت شده است لذا باید قضای آن نماز را بجا آورد.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى بِغَيْرِ طَهْوَرٍ أَوْ نَسِيَ صَلَوَاتٍ لَمْ يُصَلِّهَا أَوْ نَامَ عَنْهَا، قَالَ: «يَقْضِيهَا إِذَا ذَكَرَهَا فِي أَيِّ سَاعَةٍ ذَكَرَهَا مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ»<sup>۲</sup>.

روایت مذکور و امثال آن، بر وجوب قضای نمازهایی که به غیر طهارت به جا آورده شده اند، دلالت دارند. این روایات بر لزوم قضاء در مانحن فیه نیز دلالت دارند.

روایت سوم: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا نَسِيتَ الصَّلَاةَ أَوْ صَلَّيْتُهَا بِغَيْرِ وُضْوءٍ وَكَانَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَوَاتٍ فَأَبْدَأْ بِأُولَئِنَّ فَأَذِّنْ لَهَا وَاقِمْ ثُمَّ صَلِّ مَا بَعْدَهَا بِإِقَامَةٍ إِقَامَةٍ لِكُلِّ صَلَاةٍ»<sup>۳</sup>.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. همان، ج ۸، کتاب الصلاة، ابواب قضاء الصلوات، باب ۲، ص ۲۵۶، ح ۱.

۲. همان، باب ۱، ص ۲۵۳، ح ۱.

۳. همان، ص ۲۵۴، ح ۴.